سبک شناسی و بدیع

عنوان مقاله:پیشنهادى در سبک ادب فارسى نویسنده:کورش صفوى مأخذ:مجله زبان و ادب، س دوم، ش ششم(زمستان 1377)، ص 43 تا 55.

پدید آمدن هر سبک، تحت شرایط فرهنگى و مبناى تفکر ایجاد مى‏شود. سبک‏شناسى کلیتى است که بخشى از آن را سبک‏شناسى ادبیات تشکیل مى‏دهد که از بخشهاى دیگر مستقل نیست که شامل سبکهاى هنرى است.سبک هنرى اگر در قالب اجتماعیش مورد نظر باشد با نوعى تفکر در پیوند است.اگر اندیشه‏اى شکل اجتماعى بیابد در سبک تأثیر مى‏گذارد و در تمامى هنرها خود را مى‏نمایاند.

براى‏تعیین شاخصهاى سبکهاى ادبى چند عامل مؤثر است:نخستین شاخص، پرهیز از برداشتهاى غیر علمى است.شاخص دیگر در تعیین و طبقه‏بندى سبکهاى ادبى، انتخاب ابزارهایى است که بتواند براى تمام گونه‏هاى ادبى به شکل نظام‏مند به کار رود و وجوه مشترک را تعیین کند.شاخص دیگر، جامعیت و یکپارچگى طبقه‏بندى است.در سبک‏شناسى، نظم و شعر متمایز از هم در نظر گرفته نشده‏اند.

علاوه بر این در سبک‏شناسى نثر، طبقه‏بندى به لحاظ تاریخ سیاسى صورن گرفته است اما سبکهاى شعر به لحاظ جغرافیایى طبقه‏بندى شده‏اند.در سبک‏شناسى نثر اصطلاحاتى چون«شعر سپید»و «شعر نو»دیده مى‏شود که با اصطلاحات پیش از خود ناهماهنگ است.

ملاکهاى سبک‏شناسى ادب‏فارسى باید به سطح علمى ارتقا یابد و از جامعیت و یکپارچگى برخوردار شود.ابزارهاى شعر آفرینى، نظم آفرینى و عملکرد آنها بر نثر ، ابزارهاى مستقلى نسبت به یکدیگر نیستند و کشف این ملاکها تنها زمانى امکانپذیر است که متون ادب باز کاویده شوند و هیچ اثرى برتر از اثر دیگر تلقى نشود و تمامى شاخصهاى متون استخراج شوند تا سخنان براساس آمار باشد و از آمار استخراج شود.

عنوان مقاله:نظرى به تدوین دانش بدیع در ادب فارسى نویسنده:نعمت الله ایران زاده مأخذ:فصلنامه زبان و ادب، س دوم، ش ششم(زمستان 1377)، ص 102 تا 122

قدما علم بدیع را علمى دانسته‏اند که از وجوه تحسین کلام بحث مى‏کند؛اما در باب اینکه وجوه تحسین کلام و اسباب زیبایى کدامند و چه تأثیرى در تخییل سخن دارند، بحث دقیق و روشنى نشده و همین باعث شده است دانش بدیع بیشتر از علم معانى و بیان همواره دستخوش بازى و اصطلاح‏سازى قرار گیرد و مؤلفان موارد زیادى را به نام صنایع ادبى وارد کنند که در اغلب آنها لطف و فایده‏اى مشهود نیست.این قبیل صنایع نه تنها کلام را مؤثر و دلنشین نمى‏سازد، بلکه از ت‏ءثیر بلاغى آن نیز مى‏کاهد.

هنگام آن رسیده است که امروز با توجه به ارزش زیبایى‏شناختى صنایع ادبى با دیدى انتقادى، واقعیت هنرى آنها را بررسى کنیم تا نامهاى عجیب و غریب و نامفهوم و پر طول و تفضیل این صنایع، ما را فریب ندهد.

خاستگاه زیبایى سخن بیشتر دو چیز است:الف)موسیقى و هماهنگیهاى صوتى ب)لذت ذهن از تداعیها و بر همین اساس مى‏توان صنایع بدیعى را به دو دسته مفید و غیر مفید تقسیم کرد.

موارد زیر را به عنوان جهات زیباشناختى و اغراض هنرى آرایه‏هاى بدیعى مى‏توان برشمرد:

1-آهنگین ساختن کلام 2-ایجاد تداعى معانى 3-غرابت بخشیدن به کلام و حیرت آفرینى 4-تبدیل کلام به زبان ادبى 5-خوشایند جلوه دادن و مؤثر ساختن کلام

در ارزشیابى آرایه‏ها مى‏توان ترتیب بندى را لحاظ کرد؛به این معنى که صنایعى که در بلاغت و معنى‏آفرینى نقش دارند از صنایعى که به تخیل ادبى و محتواى سخن ربطى ندارند، تفکیک شود.از سوى دیگر در طرح صنایع مى‏توان آرایه‏هایى را که ماهیتا شبیه به هم هستند و بین آنها سنخیتى وجود دارد در یک گروه قرار داد. این نوع نگرش سبب خواهد شد آرایه‏ها، دقیقتر به محک نقد گذارده، و آموزش آنها آسانتر شود.

بى‏توجهى مؤلفان به مبانى زیباشناختى و بى‏دقتى آنها در بررسیها و مطالعات ادبى، باعث آشفتگى در طرح مباحث بدیع و درهم آمیختن آن با سایر مسایل و نکات ادبى و غیر ادبى شده است؛لذا روشن نبودن معیارهاى سنجش و نقد صنایع، مشکلاتى را پدید آورده و سبب بروز نارساییها در تدوین دانش بدیع گردیده است.

مهمترین نارساییها و معایب کتابهاى بدیعى عبارتند از:1-نارسایى در تعاریف 2-نامگذارى مجدد یک صنعت 3-اختلاف در نامگذارى 4-متفاوت بودن معنى یک اصطلاح واحد 5-افزایش بى‏مورد اصطلاحات 6-آمیختن گفتار و نوشتار 7-طرح فنون ادبى عربى در فارسى 8-ابداعات غیر ادبى 9-طرح تفنن در کنار صنعت 10-بى‏توجهى به برخى از آرایه‏ها و زیباییهاى کلام:در کنار مجموعه‏اى وسیع از فنون و صناعات ادبى که در کتابهاى بلاغى جمع‏آمده‏اند باعث شده است به برخى از صناعات، که اتفاقا از شگردهاى پر بسامد ادب فارسى به شمار مى‏روند، توجهى نشده است و حتى در برخى از کتابها تحت عنوان آفتهاى سلاست آمده‏اند. 11-بى‏توجهى به طبقه‏بندى صنایع و اغتشاش در طرح مطالب:مؤلفان آثار بدیعى، صنایع را به گونه‏اى طبقه‏بندى کرده‏اند که ارتباط بین آنها معلوم نیست و هر صنعت را گویى جداگانه در نظر گرفته و بحث کرده‏اند.برخى صنایع را به ترتیب حروف الفبا آورده‏اند.12-در آمیختن بدیع با سایر مباحث و فنون ادبى:از جمله معایب بررسیهاى پیشینیان و کتابهاى بدیعى، آمیختگى مباحث بدیع با سایر فنون ادبى(مثل قافیه، عروض، نقد ادبى، انواع ادبى و...)و طرح مباحث زاید و بى‏ربط در آن است.